



اساس قضیه مباهله اثبات توحید ونفی شرک است/ معنای نفس پیامبر چیست؟

دبیر علمی گروه عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی گفت: مسیحیان حضرت عیسی(ع) را برخودار از الوهیت می دانستند و اساس قضیه مباهله اثبات توحید و نفی شرک و تثلیث بوده است.

دبیر علمی گروه عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی گفت: مسیحیان حضرت عیسی(ع) را برخودار از الوهیت می دانستند و اساس قضیه مباهله اثبات توحید و نفی شرک و تثلیث بوده است.

به گزارش خبرنگار مهر، اساس مباهله مبتنی بر دو نگرش متفاوت درباره حقیقت حضرت عیسی(ع) است و برای اثبات توحید و رد شرک و تثلیث بوده است. در خصوص اهمیت مباهله و فضیلت آل عبا، با حجت الاسلام اسداله شکریان، دبیر علمی گروه عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، محقق و نویسنده، گفتگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانیم:

اساس مباهله مبتنی بر دو نگرش متفاوت درباره حقیقت حضرت عیسی (ع) است؛ نگرش نخست مربوط به نگاه مسیحیان است که حضرت عیسی (ع) را برخودار از الوهیت می‌دانستند در مقابل، نگرش قرآن قرار دارد که اعتقادی به خدایی عیسی (ع) نداشته و خلقت او را بیرون از حلقه آفرینش موجودات نمی‌داند؛

اسداله شکریان، دبیر علمی گروه عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی، با بیان اینکه جریان مباهله در اسلام از حوادث ماندگار و پُر معنایی است که واکاوی در آن از جهات مختلف دارای ارزش و اعتبار است، گفت: اساس مباهله مبتنی بر دو نگرش متفاوت درباره حقیقت حضرت عیسی(ع) است؛ نگرش نخست مربوط به نگاه مسیحیان است که حضرت عیسی(ع) را برخودار از الوهیت می‌دانستند و استدال آنها به چگونگی خلقت او برمی‌گشت، زیرا عیسی(ع) بر خلاف سایر ابناء بشر، فاقد پدر بوده و همین امر، مسیحیان را به الوهیت عیسی(ع) متقاعد کرد و لذا او را یکی از ارکان سه گانه اولوهیت قرار دادند.

وی ادامه داد: در مقابل، نگرش قرآن قرار دارد که اعتقادی به خدایی عیسی(ع) نداشته و خلقت او را بیرون از حلقه آفرینش موجودات نمی‌داند؛ صرف نداشتن پدر را دلیل بر برخوردار از وجهه الوهی ارزیابی نمی‌نمود.

این پژوهشگر خاطر نشان کرد: قرآن شریف برای ردّ این نظریه، به خلقت آدم مثال می‌زند که خلقت او از خاک بوده و از پدر و مادری تکوین پیدا نکرده است، $\text{إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ}$ ؛ وجه مشترک آدم(ع) و عیسی(ع) در مخلوق بودن آنهاست که نظیر هر شیئی، مخلوق باری تعالی هستند: $\text{وَاللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ}$ ؛ و دیگر اینکه ابدان هر دو از خاک سرشته یافته است و در عین حال روح ملکوتی آنها منسوب به خداوند است: $\text{وَوَقَّحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي}$ ؛ و به همین خاطر، خلقت هر دو با إِنَّمَا يَكُونُ ؛ کن فیکون؛ بوده است.

شکریان با تأکید بر اینکه بنابراین اساس قضیه مباهله اثبات توحید و نفی شرک و تثلیث بوده است، خاطرنشان کرد: مسیحیان نجران علی‌رغم براهین آشکار، بر ادعای خود اصرار ورزیدند و خداوند نیز در قرآن شریف به پیامبر خود دستور می‌دهد تا برای اثبات حقانیت مسأله، مباهله صورت پذیرد، $\text{وَقَمِّنْ حَاجَكْ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَآبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ}$ ؛ هر کس با تو ای پیامبر درباره عیسی محاجه و مناظره کند، بگو بیایید و فرزندان خودمان را نیز بگوئیم بیایند و زنانمان را نیز بگوئید بیایند و خودمان را نیز بگوئیم بیایند و سپس مباهله کنیم و دوری از رحمت خدا را برای دروغگویان که یا مائیم، یا شما، درخواست کنیم؛.

مدرس سطوح عالی حوزه علمیه گفت: اتفاق فریقین از علماء عامه و خاصه بر این امر است که همراهان حضرت در جریان مباهله، امیرالمؤمنین علی(ع)، فاطمه زهراء(س)، حسن(ع) و حسین(ع) بوده‌اند و ادعای حضور افرادی غیر خانواده علی(ع) و زهراء(س)، مخالف دیدگاه جمهور علماء اهل سنت بوده و تحریفی آشکار و ناصواب از امری مسلم محسوب می‌گردد.

وی ادامه داد: آنچه از آیات قرآن شریف به دست می‌آید، این است که همراهان پیامبر اعظم (ص) در جریان مباحله، برخوردار از خصائص الهی و تکوینی بوده‌اند؛ این خصائص انحصاراً در اختیار آنان بوده است و دیگران بهره‌ای از آن نداشته‌اند. یکی از این خصائص، مسئله عصمت است و به دلائل متقن عقلی و نقلی اثبات شده است که وجود مبارک امیرالمؤمنین و همسر و دو فرزندش (ع) دارای ملکه عصمتی بوده‌اند.

وقتی مأمون از حضرت رضا (ع) از مهمترین فضیلت علی (ع) می‌پرسد، حضرت رضا (ع) به همین مسئله اشاره دارد؛ معنای نفس نبی بودن این می‌شود که علی (ع) خود پیامبر است و پیامبر (ص) نیز خود علی (ع) است و هیچ تفاوتی از این جهت وجود ندارد.

وی اظهار کرد: شاید مهمترین بخش آیه شریفه مباحله، مربوط به علی shy&بن ابی طالب (ع) است که از او به «أُنْقَسَتْ رَسُولُ shy& یعنی نفس رسول shy&الله (ص) یاد می‌شود؛ این فضیلتی بزرگ برای حضرت علی (ع) است، چنانچه وقتی مأمون از حضرت رضا (ع) از مهمترین فضیلت علی (ع) می‌پرسد، حضرت رضا (ع) به همین مسئله اشاره دارد؛ معنای نفس نبی بودن این می‌شود که علی (ع) خود پیامبر است و پیامبر (ص) نیز خود علی (ع) است و هیچ تفاوتی از این جهت وجود ندارد و همین نگاه را در دعای ندبه نیز مشاهده می‌کنیم که می‌فرماید: «أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ رِجْلِ شَجَرَةٍ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى.&

شکریان در پاسخ به این پرسش که چرا سایر مردم در درجه پیامبر و همراهان وی در جریان مباحله نیستند، اظهار کرد: رسول shy&الله در میان همه کسانی که نزدیکان و مقربان او به شمار می‌آیند، فقط این چهار نفر را برگزید و این نشان دهنده تقرب همراهان حضرت به حضرت باری تعالی است و دیگران بهره‌ای از آن ندارند. دیگر اینکه قرار گرفتن امیرالمؤمنین (ع) به منزله نفس پیامبر، به معنای این است که این دو در درجه مساوی هم هستند و لذا به قول شیخ مفید، عل (ع) به آخرین حد فضیلت رسیده و با پیامبر (ص) در عصمت از گناه و سایر کمالات مساوی است و خداوند او و خانواده shy&اش را حجت و برهانی برای دین قرار داده است.

دبیر علمی گروه عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی، با اشاره به اینکه پیامبر اسلام (ص) در روز غدیر فرمودند: «الست أولى بالمؤمنين من انفسهم& اظهار کرد: این امر، نشان از اولویت حضرت در تصرف دارد و مساوی او نیز باید از چنین اولییتی برخوردار باشد. در مورد نفس پیامبر بودن حضرت علی (ع) علاوه بر صراحت آیه قرآن مبنی بر اینکه علی (ع) نفس رسول shy&الله (ص) است، جناب شیخ طوسی نیز در الشافی فی الامامة، حدیثی از رسول خدا نقل می‌کند که شخصی درباره اصحاب حضرت، نظر شریف ایشان را جویا می‌شود و حضرت نام یکایک اصحاب را ذکر می‌فرماید، ولی نامی از علی (ع) به میان نیاوردند؛ سائل عرض کرد یا رسول shy&الله، چرا از علی نامی نبردید؟ پیامبر گرامی اسلام فرمودند: علی جزو اصحاب قرار ندارند و شما از اصحاب سؤال نمودید و از نفس من که علی (ع) باشد پرسش نکردید.

در تعبیر عرفانی و دینی از حضرت علی (ع) به عنوان وارث علم رسول shy&الله (ع) یاد می‌شود با رحلت آن حضرت، مجموعه علوم الهی مضبوط در نزد رسول shy&الله (ص) نزد وارث آن حضرت قرار گرفته است.

شکریان ادامه داد: در تعبیر عرفانی و دینی از حضرت علی (ع) به عنوان وارث علم رسول shy&الله (ع) یاد می‌شود و معنای آن این است که هر پیامبری که از سوی پروردگار عالمیان بر قوم خویش مبعوث می‌شود، خداوند به میزان نیاز و درخواست آن قوم، علم خویش را در قالب وحی بر آن پیامبر نازل می‌فرمود و آن علم با مرگ پیامبر از بین نمی‌رفت، بلکه بر وصی او عرضه شده و به پیامبر بعدی انتقال می‌یافت و هر پیامبر، علاوه بر داشته‌های الهی انحصاری خویش، حامل علوم سایر انبیاء نیز بوده است. در نهایت با بعثت خاتم پیامبران، آن حضرت علاوه بر این که حامل علوم الهی خاص خویش بوده که نیاز بشریت را تا پایان این دوره تأمین نماید، بالوراثه، علوم الهی سایر انبیاء را نیز حامل بوده است و لذا با رحلت آن حضرت، مجموعه علوم الهی مضبوط در نزد رسول shy&الله (ص) نزد وارث آن حضرت قرار گرفته است و شاید یکی از معانی نفس پیامبر بودن برای امیرالمؤمنین (ع) همین امر باشد.

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم با بیان اینکه حدیث کساء از مشهورترین احادیثی است که در منابع مختلف روایی و حدیثی وارد شده است و در عین تعدد وقایع و ازمینه، آنچه در همه آنها یکسان نقل شده، تعداد و افراد خاص هستند، گفت: در همه این وقایع، تعداد اهل کساء پنج نفر بوده و شخصیت shy&های آن را وجود مقدس رسول shy&الله (ص)، علی بن ابی طالب و همسر و دو فرزند بزرگوارش، حسن و حسین (ع) تشکیل داده‌اند.

وی ادامه داد: نکته مهم این است که واقعه کساء همان جریان مباحله است که اتفاق بین مسلمین را به همراه دارد و همین واقعه دارای فضیلت فراوان در میان شیعیان است و وقایع دیگر شبیه به واقعه مباحله نیز نقل شده است که برخی از آنها نظیر حدیث کساء در السنه مردم عادی رواج بیشتری دارد و بنابراین، تعبیر اصحاب کساء و آل عبا مربوط به آیه شریفه مباحله بوده و فضیلت خاص آن به این واقعه مربوط است.